

Original Article

Sperm Storage and its Utilization in Imamieh Jurisprudence

Seyyed Mohsen Mortazavi^{1*}, Mojtaba Norouzi²

1. Level Four of Seminary, Qom Seminary, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: mohazerat@yahoo.com

2. Assistant Professor, Faculty of Mashhad Tarbiat Modares, University of Quranic Sciences and Thoughts, Mashhad, Iran.

Received: 25 Apr 2019 Accepted: 16 Sep 2019

Abstract

Background and Aim: One of the innovated medical issues in subjects filed of infertility treatment is sperm donation and storage issue and utilization of it in today's world. The sperm banks, which created to maintain and storage of male sperm, have made it possible to help treat infertile couples and even have children in the distant future when men's sexual power declines.

Materials and Methods: This study is done with analytical method which is followed by examination of all legal aspects of sperm bank jurisprudence such as various mandates and status orders related to this issue such as storage sperm permit for future self use or fertility of his wife after her husband dies in perspective of Imamiyah dynamic jurisprudence. Using of saving sperm in the sperm bank for infertile couples and donating sperm to others, buying and selling sperm, and assigning newborn baby to sperm owner are other topics which are considered in this study.

Conclusion: The results of this study indicate that using of storage sperm has no problem for one's own during her life, but after her death, because of cancellation of marriage couple, sperm injection into uterus of his wife is not allowed. It is also forbidden to use stranger sperm and donate sperm and in any case, the born baby will be assigned to the original sperm. There are also a number of drawbacks to buying and selling sperm and the best way is to getting money in return of removed hands from the right of assign into the sperm.

Keywords: Sperm; Sperm Bank; Imamieh Jurisprudence

Please cite this article as: Mortazavi SM, Norouzi M. Sperm Storage and its Utilization in Imamieh Jurisprudence. *Feghh Journal* 2019; 11(38-39): 7-20.

نگهداری اسپرم و بهره‌برداری از آن در فقه امامیه

سیدمحسن مرتضوی^{*۱}، مجتبی نوروزی^۲

۱. سطح چهار حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: mohazerat@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مسائل مستحدثه پزشکی در حوزه مباحث درمان ناباروری در جهان کنونی، مسأله اهدای اسپرم و ذخیره‌سازی و بهره‌برداری از آن می‌باشد. بانک‌های اسپرم که به منظور نگهداری و ذخیره‌سازی اسپرم مردان ایجاد می‌شود، این امکان را فراهم کرده تا جهت درمان ناباروری زوجین و حتی بچه‌دار شدن در آینده دور - زمانی که قدرت جنسی مردان به افول کشیده شده - کمک به سزایی نماید.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش تحلیلی به دنبال بررسی همه‌جانبه ابعاد فقهی بانک اسپرم مانند احکام مختلف تکلیفی و وضعی مرتبط با این موضوع همچون جواز ذخیره‌سازی اسپرم برای استفاده خود شخص از آن در آینده و یا باروری همسر او بعد از مردن وی از منظر فقه پویای امامیه می‌باشد. استفاده از اسپرم‌های ذخیره‌شده در بانک اسپرم برای زوجین نابارور و اهدای اسپرم به دیگران، خرید و فروش اسپرم‌ها و انتساب طفل متولدشده به صاحب اسپرم از دیگر مباحث مورد بررسی در این پژوهش می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که ذخیره‌سازی اسپرم برای استفاده خود شخص در ایام حیاتش اشکالی ندارد، ولی بعد از مردن او چون علقه زوجیت منتفی می‌گردد، تزریق اسپرم به رحم همسرش جایز نیست. همچنین استفاده از اسپرم اجنبی و اهدای اسپرم به دیگران حرام است و در هر صورت، طفل متولدشده از این راه به صاحب اسپرم اصلی انتساب خواهد داشت. همچنین نسبت به خرید و فروش اسپرم اشکالات متعددی وجود دارد و بهترین راه، اخذ پول در مقابل رفع ید از حق اختصاص نسبت به اسپرم می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسپرم؛ بانک اسپرم؛ فقه امامیه

مقدمه

یکی از مسائل جدید و نوپیدا در حوزه مسائل پزشکی، تلقیح مصنوعی و روش‌های نوین باروری می‌باشد. تمایل بشر برای بهره‌مندی از نعمت فرزند، غیر قابل انکار بوده و هر آدمی ذاتاً در جستجوی داشتن فرزند است تا بدین ترتیب نسل و حیات او را قوام بخشد. از دیرباز یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که همواره در طول تاریخ، زندگی شخصی و اجتماعی آدمیان را تحت تأثیر قرار داده، ناتوانی‌های جنسی و عدم امکان باروری زنان و مردان بوده است. در قرن‌های متمادی، انسان‌های متعددی به دلیل عدم قدرت باروری، نسل آن‌ها منقرض گردیده است. ناباروری عبارت از عدم وقوع حاملگی یک زن در عرض یک سال زندگی زناشویی، علی‌رغم مقاربت مرتب و استفاده نکردن زوجین از روش‌های جلوگیری از بارداری است (۱). عقیم‌بودن و ناباروری همواره به صورت یک رنج و گرفتاری سخت در زندگی جلوه‌گر می‌شود. ۱۰ تا ۱۵ درصد زوجها با این مشکل مواجه هستند (۲). عقیم و ناباروری، بحرانی از بحران‌های اجتماعی است که می‌تواند کانون گرم خانواده را متلاشی کند؛ طبیعی است که در چنین وضعیتی اگر راه نجاتی پیدا شود، همه بدان روی خواهند آورد. تلقیح مصنوعی و تشکیل بانک اسپرم، پدیده نوینی است که می‌تواند موانع بارداری را مرتفع، و در تولید نسل به زوجین کمک کند.

امروزه استفاده از بانک‌های اسپرم و تلقیح مصنوعی یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای درمان ناباروری می‌باشد و به همین منظور، امروزه ده‌ها مراکز درمان ناباروری در شهرها به چشم می‌خورد که با استفاده از روش‌هایی نظیر اهدای اسپرم، اهدای تخمک و رحم جایگزین، اقدام به باروری زوجین نابارور می‌کنند.

مقصود از بانک اسپرم که به آن «سایروبانک» نیز گفته می‌شود، مؤسسات و مراکزی است که اسپرم انسان را جمع‌آوری، منجمد، ذخیره و نگهداری می‌کند. اسپرمی که در بانک اسپرم نگهداری می‌شود یا به منظور استفاده‌های آتی خود فرد و اهدا به همسر خود شخص می‌باشد و یا به منظور اهدا به زوجین نابارور. چون باروری مردان از سوی عوامل

مختلفی تهدید می‌شود. در واقع ذخیره اسپرم این اطمینان را به فرد می‌دهد که در صورت بروز هرگونه اتفاقی، او می‌تواند در زمانی که تمایل دارد، پدر شود. سن یکی از عوامل اصلی کاهش اسپرم و کیفیت اسپرم است؛ به همین دلیل، برخی از مردان اسپرم خود را در هنگام جوانی ذخیره می‌کنند تا مطمئن شوند با گذشت زمان، همچنان اسپرم سالم دارند. برخی از سرطان‌ها و درمان‌های مربوط به آن، کیفیت اسپرم و باروری را تهدید می‌کند. بنابراین مردانی که با این مشکلات مواجه بوده و مبتلا به سرطان یا بیماری‌های اتوایمیون (خودایمنی) هستند، می‌توانند پیش از انجام عمل جراحی یا شروع شیمی‌درمانی و پرتودرمانی، رادیوتراپی و استفاده از داروهای سرکوب‌کننده سیستم ایمنی، اسپرم خود را در بانک اسپرم ذخیره کنند (۲).

ذخیره‌سازی اسپرم برای زوج‌هایی که قصد بارداری از طریق فناوری‌های باروری را دارند، بسیار مفید و کمک‌کننده است، به خصوص اگر مرد نتواند به طور مداوم در همه جلسات باروری حضور داشته باشد. ذخیره‌سازی اسپرم در بانک اسپرم این اطمینان را ایجاد می‌کند که در هنگام انجام روند باروری، اسپرم کافی برای استفاده وجود خواهد داشت. برخی از مزایای استفاده از بانک اسپرم بدین شرح است: حفظ قدرت تولید مثل در تمام طول حیات برای مشاغل پرخطر، حفظ قدرت تولید مثل بعد از درمان‌های بدخیم، خودایمنی و استفاده از شیمی‌درمانی و پرتودرمانی، حفظ و انجام اسپرم برای مدت زمان طولانی بنا به دلایل شخصی برای افراد متقاضی، انتخاب زمان مناسب تولید مثل بدون نگرانی از کم‌شدن قدرت باروری، حفظ قدرت تولید مثل بعد از عمل وازکتومی، حفظ قدرت تولید مثل بعد از عمل جراحی سیستم تناسلی که توانایی انزال و روند تغییر در تولید اسپرم را مختل می‌کند و ذخیره و نگهداری اسپرم برای مردانی که قادر به تولید مایع منی تازه در زمان‌های مورد نیاز نیستند. نخستین بانک اسپرم در ایران در سال ۱۳۸۳ در تهران در مرکز تخصصی ناباروری ابن سینا وابسته به جهاد دانشگاهی تأسیس شده است (۱).

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی است که آیا می‌توان اسپرم شخص را در بانک اسپرم ذخیره و نگهداری

بنابراین مردانی که با این مشکلات مواجه بوده و مبتلا به سرطان یا بیماری‌های اتوایمیون (خودایمی) هستند، می‌توانند پیش از انجام عمل جراحی یا شروع شیمی‌درمانی و پرتودرمانی، رادیوتراپی و استفاده از داروهای سرکوب‌کننده سیستم ایمنی، اسپرم خود را در بانک اسپرم ذخیره کنند (۲). در این صورت، تلقیح، بین اسپرم شوهر و تخمک همسرش انجام می‌گیرد، لذا به عنوان اولی اشکال و وجه معنی وجود ندارد و فقط باید در هنگام اخذ اسپرم و ذخیره‌سازی آن در بانک اسپرم‌ماز، از مقدمات و ملازمات حرام نظیر استمناء، نگاه و لمس عورت توسط نامحرم اجتناب شود. بنابراین اگر فرض شود که اسپرم به وسیله حلال و در حال استمتاع از همسر از او اخذ شود و مقدمه و ملازم حرامی نداشته باشد، یقیناً جایز خواهد بود و اگر همراه با ملازمات حرام مثل نظر و لمس باشد، به عنوان ثانوی، حکم حرمت مترتب می‌شود و برای رفع حرمت باید عناوینی چون حرج، اضطرار، حاجت و... محقق شود.

۲- استفاده از اسپرم ذخیره‌شده خود شخص پس از فوت او برای باروری همسرش

اگر اسپرم مرد در زمان حیات و زوجیت او اخذ شود و منجمد و فریز شده و در بانک اسپرم و آزمایشگاه نگهداری شود، آیا می‌توان بعد از مرگ شوهر، آن را به رحم زن تزریق نمود و آن زن را از شوهر مرده‌اش، باردار نمود یا خیر؟ و در اصطلاح، باروری بعد از مرگ جایز است یا خیر؟ این بحث مبتنی بر این است که آیا با مرگ، علقه زوجیت از بین می‌رود یا خیر؟ فقها در ابواب مختلف فقه مثل غسل و کفن کردن زوجه، عده وفات و... این بحث را مستقلاً مطرح نموده‌اند که با مرگ، علقه زوجیت منتفی می‌شود یا نه؟ و به طور کلی می‌توان گفت که در بین فقهای امامیه دو نظریه وجود دارد:

اول: برخی قائل‌اند که بعد از مرگ زوج یا زوجه، رابطه زوجیت از بین رفته و علقه زوجیت با مرگ منتفی می‌شود، از جمله سیدمحسن حکیم که در برابر استدلال کسانی که گفته‌اند کفن کردن زوجه بر شوهر واجب است، چون رابطه زوجیت باقی است اعتراض نموده و گفته است: «لانقطاع الزوجیه بالموت؛ زیرا علقه زوجیت با موت از بین می‌رود» (۳).

کرد تا در آینده، همسر یا دیگران از آن استفاده نمایند؟ حکم خرید و فروش اسپرم، نسب و هویت طفل متولدشده از این راه چیست؟

درباره پیشینه این موضوع در فقه امامیه با توجه به جدید و نوپیدابودن آن، در منابع فقهی ما نیز سابقه زیادی ندارد و در سال‌های اخیر استفتائات و سؤالاتی در این زمینه از مراجع معظم تقلید استفتا شده و چندان به مباحث مختلف آن اشاره نشده است. فقط در سال‌های اخیر در موضوع عام تلقیح مصنوعی، تقریرات دروس استاد سیدمحمدرضا سیستانی در نجف اشرف در کتابی با عنوان «وسائل الانجاب الصناعتی» و تقریرات دروس استاد محمدجواد فاضل لنکرانی با عنوان «تلقیح مصنوعی» در قم به چاپ رسیده است و دو مقاله هم با عنوان «التلقیح» از سیدمحسن خرازی و «تلقیح مصنوعی» از محسن حرم‌پناهی در مجله فقه اهل بیت (ع) منتشر شده است. نسبت به این موضوع، احکام مختلف فقهی اعم از تکلیفی و وضعی وجود دارد که در این مقاله به اختصار به آن‌ها اشاره خواهد شد.

حکم تکلیفی استفاده از اسپرم‌های ذخیره‌شده

نسبت به حکم تکلیفی استفاده از اسپرم‌های موجود در بانک‌های اسپرم و جواز و عدم جواز آن، با توجه به کارآیی و کاربردهای متصور برای اشخاص متعدد در زمان‌های مختلف، باید موضوع را در حالت‌های ذیل تبیین نمود:

۱- استفاده از اسپرم ذخیره‌شده توسط خود شخص در

آینده جهت باروری همسرش

چون باروری مردان از سوی عوامل مختلفی تهدید می‌شود. در واقع، ذخیره اسپرم این اطمینان را به فرد می‌دهد که در صورت بروز هرگونه اتفاقی، او می‌تواند در زمانی که تمایل دارد پدر شود.

سن یکی از عوامل اصلی کاهش اسپرم و کیفیت اسپرم است. به همین دلیل برخی از مردان اسپرم خود را در هنگام جوانی ذخیره می‌کنند تا مطمئن شوند با گذشت زمان، همچنان اسپرم سالم دارند. برخی از سرطان‌ها و درمان‌های مربوط به آن نیز کیفیت اسپرم و باروری را تهدید می‌کند.

مرحوم سبزواری بر این حکم، ادعای اجماع نموده است: «زن و شوهر هر یک می‌توانند دیگری را غسل دهند، زیرا اجماع داریم که علقه زوجیت با مرگ به یک باره از بین نمی‌رود، بلکه فی‌الجمله باقی است، مگر نسبت به آثاری که دلیل خاص بر انتفای آن‌ها داشته باشیم» (۱۳).

برخی از مراجع معظم همانند: سیدعلی خامنه‌ای (۱۴)، سیدمحمد شاهرودی (۱۵)، حسین مظاهری (۱۶) و یوسف صانعی (۱۷) قائل شده‌اند که باروری بعد از فوت شوهر مانعی ندارد.

نظریه صحیح، همان دیدگاه اول است، زیرا در نظر عرف، زوجیت، علقه خاص بین زندگان است و طبعاً با مرگ یکی از دو طرف، منتفی می‌شود و مجرد باقی‌بودن برخی از آثار زوجیت از قبیل جواز نظر و لمس، کاشف از بقای زوجیت نیست، بلکه این احکام، تبعیدی بوده و به خاطر نصوص خاصه در مسأله و برخلاف قواعد می‌باشد. بنابراین همانطور که در حدوث علقه زوجیت، تحقق زوجیت بین زنده و مرده معنا ندارد و عرف آن را تصدیق نمی‌کند، به همین شکل در بقاء هم با مرگ یکی از زوجین این رابطه و علقه از بین می‌رود و اگر کسی بخواهد برای بقای زوجیت بعد از مرگ به استصحاب تمسک نماید، چنین اشکال می‌شود که استصحاب هم در مقام جاری نمی‌شود، چون شک در مقام، از موارد شبهه مفهومی است که نمی‌دانیم مفهوم زوجیت تا چه زمانی ادامه داشته و آیا با مردن یکی از زوجین از بین می‌رود یا نه؟ بر این اساس، در شبهات مفهومی، استصحاب کارایی ندارد (۱۸)، نتیجه این‌که چون با وفات شوهر، علقه زوجیت منتفی می‌شود و از طرفی، تولید نسل و فرزندارشدن دائرمدار وجود علقه زوجیت است، لذا بچه‌دارشدن زن از شوهرش بعد از وفات او جایز نمی‌باشد.

۳- استفاده از اسپرم ذخیره‌شده شخص اجنبی

بنا به دلایلی همچون تعداد کم اسپرم، عدم بلوغ اسپرم، عدم توانایی حرکت مناسب اسپرم، شکل غیر طبیعی اسپرم یا این‌که زن می‌خواهد بدون داشتن همسر و زوج شرعی حامله شود، در این صورت، زن برای حامله‌شدن به اهدای اسپرم توسط مرد بیگانه احتیاج پیدا می‌کند و یا اگر همسر مردی،

یوسف بحرانی می‌گوید: بعد از مرگ بر زن صدق عنوان زوجه نمی‌شود، بلکه او نسبت به شوهر، اجنبی است (۴) و از تهذیب و منتهی و ابن زهره در غنیه و حلبی هم نقل شده که غسل دادن زن و شوهر جایز نیست، مگر در حال ضرورت (۵-۶). برخی از مراجع معظم همچون سیدمحمدسعید حکیم (۷)، سیدمحمد هاشمی شاهرودی (۸)، محمد فاضل لنکرانی (۹) نیز تصریح نموده‌اند که باروری بعد از فوت شوهر اشکال دارد؛ دوم: در مقابل، عده‌ای دیگر قائل‌اند که علقه زوجیت با مرگ از بین نمی‌رود و باقی است؛ محمدحسن نجفی می‌گوید: «محمد بن مسلم در روایت صحیح از امام باقر (ع) درباره زنی که مرده است، سؤال کرد که آیا شوهرش می‌تواند بعد از مرگ به صورت و سر آن زن نگاه کند؟ امام (ع) فرمودند: بله و روایات متعدد دیگری وجود دارد که دلالت می‌کند بر این‌که علقه زوجیت با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه چه بسا این امر جزء ضروریات مذهب ما می‌باشد» (۱۰). سیدابوالقاسم خوئی نیز می‌گوید: روایات وارده درباره جواز غسل دادن شوهر توسط همسرش، به صراحت بر بقای علقه زوجیت دلالت می‌کند (۵). محمدباقر مجلسی هم می‌گوید: از این اخبار و آیات چنین برداشت می‌شود که بعد از وفات یکی از زوجین، رابطه زوجیت باقی است و به همین خاطر، حکم به حداد و عده بر زوجه می‌شود، چنانکه خداوند در قرآن بر چنین زنی، اطلاق زوجه نموده است (۱۱)، عرف هم به زنی که شوهرش مرده است اطلاق «زوجه» کرده و می‌گوید زن فلانی است، هم‌چنانکه در آیات شریفه ۲۳۴ و ۲۴۰ سوره مبارکه بقره، بر آن‌ها بعد از مرگ و در زمان عده، اطلاق زوجه شده است، لذا می‌توان گفت حداقل تا زمانی که زن در عده است، رابطه و علقه زوجیت باقی است و تعلیل‌هایی که در روایات ذکر شده است نظیر «لأنه إذا مات كانت عن عده منه» (۱۲) و «لأنها منه فی عده» (۱۲) و جواز ماندن زوجه در زمان عده در خانه زوج و ترک زینت بر زن (۱۲) مؤید این برداشت است و در صورت شک در بقای علقه زوجیت هم می‌توان به استصحاب بقای زوجیت تمسک نمود، لذا از سرائر، معتبر، مبسوط، خلاف، تذکره، منتهی و نهاییه الاحکام و مشهور فقها نقل شده است که زوج و زوجه می‌توانند همدیگر را غسل دهند (۶).

حفظ می‌کنند، جز در کام‌جویی از همسران و کنیزانشان که در این زمینه بی‌تردید مورد سرزنش نیستند، پس کسانی که در بهره‌گیری جنسی راهی غیر از این می‌جویند، متجاوز از حدود حق‌اند» (۱۹).

تقریب استدلال به این آیه، نظیر آیات قبلی است که حفظ فرج اطلاق دارد و شامل حفظ فرج از طلب ولد نیز می‌شود، یعنی حتی بر مرد مؤمن واجب است که اسپرم خود را از رحم زنی که بر او اجنبی است، حفظ نماید و از این راه طلب ولد ننماید. همچنین در ذیل آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» دلالت می‌کند که هر عمل منافی با حفظ فرج، تعدی و تجاوز از حدود شرعی است، مگر این‌که از راه ازدواج یا ملک شرعی انجام گیرد.

۲- روایات

دومین دلیلی که برای حرمت اهدای اسپرم شخص اجنبی به آن تمسک شده است، تعدادی از روایات معتبره می‌باشد که موضوع حرمت در آن‌ها افراغ منی در رحم اجنبی می‌باشد.

- روایت علی بن سالم: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقَرَّ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمِ يَحْرُمُ عَلَيْهِ؛ امام صادق (ع) فرمودند: معذب‌ترین مردم در روز قیامت مردی است که نطفه‌اش را در رحمی که بر او حرام است، مستقر کرده باشد (۱۲). این روایت را علاوه بر ثقة الاسلام کلینی، مرحوم صدوق در عقاب الاعمال (۲۳) و محدث برقی در المحاسن (۲۴) نقل کرده‌اند.

از لحاظ سندی، برخی اشکال کرده‌اند که این روایت معتبر نمی‌باشد (۲۲، ۲۵)، چون علی بن سالم در روایت مردد است و در رجال، توثیقی ندارد، چون علی بن سالم یا همان علی بن ابی‌حمزه بطائنی معروف در رجال است که به واقفی‌گری مشهور بوده و چون اسم پدرش سالم است به او نسبت داده شده است که در این صورت، طبق مبنای تحقیقی ضعیف می‌باشد و قابل توثیق نیست. همچنین علی بن سالم کوفی از اصحاب امام صادق (ع) است که در رجال، توثیقی برای او نیامده است.

تخمک یا رحم مناسب برای تلقیح و بچه‌دار شدن ندارد، مرد تصمیم می‌گیرد برای بچه‌دار شدن اسپرم خود را در رحم زن اجنبی وارد کند تا از طریق او بچه‌دار شود. خلاصه در این صورت که اسپرم مرد در رحم زن بیگانه تزریق می‌شود، مشهور بلکه همه فقها به حرمت در این صورت حکم نموده‌اند.

دلایل حرمت استفاده از اسپرم شخص اجنبی

وجوه متعددی به عنوان دلیل بر حرمت در این صورت ذکر شده است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- آیات شریفه

- «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ به مردان مؤمن بگو چشمان خود را از آنچه حرام است، فرو ببندند و شرمگاه خود را حفظ کنند و به زنان باایمان هم بگو چشمان خود را از آنچه حرام است، فرو ببندند و شرمگاه خود را حفظ کنند» (۱۹).

از این دو آیه شریفه سوره نور استفاده می‌شود که خصوصیت و ویژگی انسان مؤمن این است که حافظ فرج خود از مطلق امور محرمه است (۲۱-۲۰)، یعنی از عضو تناسلی خود جز برای همسرش استفاده نمی‌کند و استفاده و به کارگیری عضو تناسلی و متعلقات آن برای غیر همسر جایز نیست و محل بحث که قرارداد اسپرم و منی مرد در رحم اجنبی است، گرچه موجب تحقق عنوان زنا نشود - چون نزدیکی و مقاربت محقق نبوده است - ولی عنوان حفظ فرج بر مرد صادق نخواهد بود و خلاف ادله و آیات حفظ فرج است. همچنین زنی که اسپرم و منی غیر شوهر در رحمش قرار گرفته است، او نیز حفظ فرج نکرده است، چون بر زن مسلمان لازم است که رحم و آلت تناسلی خود را از ارتباط با غیر شوهرش حفظ کند و داخل شدن اسپرم شخص اجنبی در رحم زن، مصداق ارتباط با غیر شوهر بوده و با ادله وجوب حفظ فرج منافات دارد (۲۲).

- «وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ آنان که دامنشان را از آلوده شدن به شهوات حرام

مرتکب دو فعل حرام شده است، لذا برخی همچون سید محمدسعید حکیم با تمسک به این روایت در باب زنا، قائل به وجوب عزل منی بر شخص زانی شده‌اند تا مرتکب حرام و معصیت دوم نشود (۲۹). بنابراین روایت دلالت می‌کند که نقل اسپرم اجنبی و کشت آن در رحم اجنبیه، امری نامشروع و حرام است.

- روایت اسحاق بن عمار: «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: الرَّزِيُّ أَشْرٌ أَوْ شُرْبُ الْخَمْرِ؟ وَ كَيْفَ صَارَ فِي الْخَمْرِ ثَمَانِينَ وَ فِي الرَّزِيِّ مِائَةٌ؟ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ الْحَدُّ وَاحِدٌ وَ لَكِنَّ زَيْدًا لِيَتَضَيِّعَهُ النَّطْفَةَ وَ لِيُضَعِيَهَا فِيهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهَا الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ؛ اسحاق بن عمار می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: زنا بدتر است یا شرب خمر؟ و چرا شرب خمر، هشتاد تازیانه دارد، ولی زنا یکصد تازیانه؟ آن حضرت فرمود: ای اسحاق، حد یکسان است، ولی زیادی تازیانه در زنا به جهت ضایع نمودن نطفه و قراردادن آن در غیر از جایگاه مشروعش که خداوند به آن دستور داده، می‌باشد» (۳۰).

موضع و جایگاه مشروع نطفه، همان رحم زوجه است که در آیات مختلف، مثل «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (۱۹) و «فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» (۱۹) و... به آن اشاره شده است. در این روایت، عقوبت بیشتر زنا نسبت به شرب خمر به خاطر خصوصیت قرارگرفتن نطفه در غیر موضع و جایگاه مشروع آن می‌باشد که این عقوبت زائد، نشان‌دهنده حرمت آن فعل می‌باشد و در این حکم نیز فرقی بین نوع قرار گرفتن نطفه نیست، چه به واسطه زنا باشد و چه به طریق تلقیح و ابزارهای جدید. همچنین متفاهم عرفی این است که ملاک حرمت و مبعوضیت نزد شارع، قرارگرفتن نطفه در رحم زن اجنبی و در غیر موضع شرعی آن است. بنابراین فرقی نمی‌کند که این عمل را خود مرد انجام دهد یا زن یا پزشک و یا شخص دیگری.

۳- ارتکاز متشرعه

ارتکاز متشرعه بر قبح و حرمت افراغ منی در رحم زن اجنبی و باردارشدن زن از اسپرم مردی دارد که با او رابطه

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت همانطور که سید ابوالقاسم خوئی تصریح نموده است علی بن سالم، متحد با علی بن ابی‌حمزه بطائنی نمی‌باشد، زیرا گرچه اسم پدر او سالم بوده، ولی علی بن ابی‌حمزه به اسم علی بن سالم در رجال و کتب حدیثی معروف و مشهور نبوده است و در کتب رجال هم تحت دو عنوان مستقل آمده است، لذا اتحاد این دو منتفی است (۲۶). بنابراین راوی حدیث همان علی بن سالم کوفی است که می‌توان راه‌هایی برای وثاقت او بیان نمود:

۱- ابن ابی عمیر که از مشایخ ثلاثه است از علی بن سالم روایت نقل می‌کند و طبق قاعده توثیق مشایخ ثلاثه که از توثیقات عامه مقبول می‌باشد، مشایخ ابن ابی‌عمیر ثقه می‌باشد.
۲- افراد معروفی مثل یونس بن عبدالرحمن و عثمان بن عیسی از او روایت نقل کرده‌اند و نقل بزرگان از یک راوی، طبق قاعده معاریف می‌تواند کاشف از وثاقت شخص باشد، زیرا طبق قاعده معاریف، اشخاص مشهور و معروف که مرجع در اخذ احادیث بودند و بزرگان از آن‌ها روایت نقل کرده‌اند، اگر نسبت به آن‌ها قدح و ضعفی نرسیده باشد، خود این امر، کاشف از وثاقت آن‌ها می‌باشد (۱۸).

۳- بنا بر توثیق عام شیخ مفید نسبت به اصحاب امام صادق (ع)، می‌توان قائل به وثاقت او شد (۲۷)، با این استدلال که تمام اصحاب امام صادق (ع) که در رجال شیخ طوسی آمده‌اند، به غیر از کسانی که نسبت به آن‌ها قدح و ضعف رسیده، ثقه می‌باشند (۲۶) که بزرگانی همچون شیخ حر عاملی این توثیق عام را پذیرفته‌اند (۱۲).

بنابراین از نظر سندی این روایت معتبر بوده و علی بن سالم به یکی از این وجوه، قابل توثیق می‌باشد و مرحوم علامه مجلسی در روضه‌المتقین نیز از این روایت، تعبیر به «الموثق کالصحيح» نموده است (۲۸).

از نظر دلالت نیز از این دو روایت استفاده می‌شود که یکی از عناوین محرمه در شریعت اسلامی، اقرار و افراغ نطفه مرد در رحم زن اجنبی است. در این روایت، زنا و استمتاع و مقاربت جنسی، موضوع حرمت نیست، بلکه خود اقرار نطفه، یک حرام مستقل غیر از زنا است. لازمه آن این است که اگر کسی مرتکب زنا شده و اقرار نطفه در رحم زن اجنبی کند،

از لحن الخطاب و ذوق فقهی می‌توان گفت که این عمل یقیناً جایز نیست» (۳۱). همچنین از سیدمحمد محقق داماد نیز نقل شده است که: «از مجموع نصوص باب نکاح چنین استفاده می‌شود که رحم زن نسبت به ماء غیر، مستعصمه است و نقل و تزریق ماء اجنبی در رحم اجنبیه، خلاف نطق نصوص باب نکاح است» (۳۲)؛ محمدتقی جعفری نیز قائل است که با توجه به اهمی که شارع در ابواب فقه برای عرض و رحم قائل شده است، استفاده از رحم بیگانه و استخدام آن برای تولید نسل جایز نیست و از فقه، حرمت این عمل قابل استثمام است (۳۳).

بنابراین با توجه به مجموع آیات و روایات باب نکاح و زنا و ادله حفظ فرج و احتیاط در باب فرج و اختلاط میاه و نسب و... می‌توان از مذاق شارع اطمینان حاصل کرد که رحم زن باید موضع و جایگاه منی شوهر خود باشد و باردارشدن زن از منی مرد اجنبی و افراغ منی مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه، مبعوض شارع مقدس بوده و حرام و معصیت می‌باشد.

۵- مقتضای اصل عملی

بر فرض فقدان دلیل و مناقشه در ادله لفظیه مثل آیات و روایات و... شک و تردید در این مطلب حاصل می‌شود که آیا تلقیح مصنوعی در صورت دوم - که افراغ منی رجل در رحم زن اجنبیه است - حرام می‌باشد یا نه؟ لذا باید ببینیم که مقتضای اصل عملی در مسأله چیست؟ در رابطه با مسأله فرج و تولد نسل، مشهور فقها مقتضای اصل عملی را احتیاط می‌دانند، مانند علامه حلی (۳۴)، محقق ثانی (۳۵) و فاضل هندی (۶) که برای اثبات این مدعا به روایاتی همچون صحیحہ شعیب حداد تمسک شده است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ يَقْرُنُكَ السَّلَامَ وَ قَدْ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ قَدْ وَافَقَتْهُ وَ أَعْجَبَهُ بَعْضُ شَائِبِهَا وَ قَدْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ السِّنِّ وَ قَدْ كَرِهَ أَنْ يَقْدِمَ عَلَى تَزْوِجِهَا حَتَّى يَسْتَأْمَرَكَ فَتَكُونَ أَنْتَ تَأْمَرُهَا. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): هُوَ الْفَرْجُ وَ أَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ وَ نَحْنُ نَحْتَاطُ فَلَا يَتَزَوَّجُهَا؛ شعیب حداد می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی از دوستداران شما به شما سلام رسانده است و

زوجیت ندارد و این عمل از امور قبیح و ناپسند نزد متشرعه می‌باشد و اختصاص به زمان و مکان خاصی هم ندارد و این ارتکاز عام متشرعه، کاشف از موافقت شارع با آن است (۲۵). بنابراین اگر کسی در دلالت آیات و روایات بر افراغ منی مرد در رحم زن اجنبی شک و تردید ایجاد کند، این ارتکاز متشرعه امری وجدانی است که می‌تواند به عنوان دلیل بر حرمت این عمل پذیرفته شود. ممکن است اشکال شود که شاید این ارتکاز متشرعه، واقعی نباشد، بلکه نشأت گرفته از برخی آداب، عقاید و عادات قومی و قبیله‌ای و یا از شدت غیرت و تعصب خاص برخی اقوام نشأت گرفته است، مانند رانندگی زنان. در پاسخ می‌توان گفت که ارتکاز در محل بحث، اینطور نیست، بلکه ارتکاز و ذهنیت عامی است که در بین همه اهل شرع و دیانت وجود دارد و همه اهل شرع، فرزندآوری از غیر طریق زوجیت را امری قبیح می‌دانند و باردارشدن زن از منی مرد اجنبی را نوعی خیانت و عدم امانت نسبت به همسر قلمداد می‌کنند. بنابراین قبیح بودن باردار شدن زن از اسپرم مرد اجنبی و حامله شدن زن بدون علقه زوجیت و نکاح شرعی، از مرتکبات عامه متشرعه است که در همه نسلها و زمانها بوده و کاشف از رأی معصوم (ع) می‌باشد.

۴- کشف مذاق شارع

تقریر دیگری برای ارتکاز متشرعه به عنوان کشف مذاق شارع می‌توان ارائه نمود. با این توضیح که با بررسی ادله مختلف و تجمیع قرائن و استظهار مجموعی می‌توان رأی و نظر شارع را در یک موردی کشف کرد، گرچه آیه و روایت خاصی در آن مورد نباشد که از آن تعبیر به کشف مذاق شارع می‌شود. در محل بحث هم با توجه به آیات و روایات مختلف در نحوه تعامل زن مسلمان با نامحرم و علقه زوجیت و سختگیری شارع مقدس نسبت به این موارد، می‌توان مذاق شارع را نسبت به حرمت افراغ منی مرد در رحم زن اجنبی کشف نموده و به حرمت و قبح این عمل اطمینان پیدا نمود. در عبارت منقول از سیدمحمد هادی میلانی نیز بر همین مطلب تکیه شده است؛ ایشان گفته است: «از ظواهر آیات و روایات درباره لقاح اختیاری چیزی به نظر نرسیده است، ولی

دسته دوم: روایات باب استبرای کنیز (۱۲) که مطابق این روایات، هنگام خرید کنیز مدتی او را استبرا کنند تا مشخص شود که حامله است یا نه؛ این حکم به استبراء هم به علت حفظ نسب و عدم اختلاط میاه می‌باشد، مانند روایت ابوبصیر از امام صادق (ع): «أَنَّه قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّجُلُ يَشْتَرِي - الْجَارِيَةَ الصَّغِيرَةَ الَّتِي لَمْ تَطْمَثْ - وَ لَيْسَتْ بِعَذْرَاءٍ يَسْتَبْرِئُهَا قَالَ - أَمْرُهَا شَدِيدٌ إِذَا كَانَ مِثْلُهَا يَعْلَقُ فَلْيَسْتَبْرِئُهَا» (۱۲) و روایات دیگر (۱۲).

دسته سوم: روایات باب حرمت زنا که از جمله علل حرمت آن از بین رفتن نسب شمرده شده است، مانند روایت امام رضا (ع) (۱۲) و روایات فراوان دیگر در ابواب مختلف که در آن‌ها از بین رفتن و اختلاط نسب به عنوان علت و حکمت حرمت بیان شده است، از جمله صحیح ابابصیر از امام صادق (ع): «كفر بالله من تبرأ من نسب و إن دق» (۱۲) که بر حرمت تبری شخص از نسب خویش دلالت می‌کند و روایت محمد بن سنان از امام رضا (ع): «... لأن في القذف نفى الولد و قطع النسل و ذهاب النسب» (۱۲) که ذهاب نسب، از علل حرمت و ثبوت حد در قذف بیان شده است و روایات دیگر (۱۲)؛ به این دسته از روایات، «ارتکاز متشرعه» هم اضافه می‌شود، به این بیان که در ارتکاز متشرعه، حفظ نسب و این‌که شخص از ناحیه پدر و مادر به افراد خاص منتسب باشد، از واجبات و امور لازم‌الرعايه است، به گونه‌ای که بی‌هویتی شخص و معلوم‌نبودن نسبت از طرف پدر و مادر، از مستنکرات و امور قبیحه نزد متشرعه می‌باشد و موجب نقص در شخص از جهت عرض و آبرو می‌شود.

بنابراین از مجموع این روایات و ارتکاز متشرعه به دست می‌آید که حفظ نسب، از امور لازم و مطلوب در شریعت اسلامی است که مورد اهتمام شارع مقدس بوده، لذا شارع اموری را که در معرض از بین رفتن نسب باشد، حرام نموده است، چه رسد به اموری که همواره مستلزم از بین رفتن نسب شود.

بررسی احکام وضعی مرتبط با بانک اسپرم

در رابطه با بانک اسپرم مسائلی به وجود می‌آید که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

می‌خواهد با زنی ازدواج کند، آن زن نیز موافقت کرده است و برخی از ویژگی‌های زن، او را به عجاب واداشته است، مشکل این است که این زن قبلاً شوهر داشته و آن شوهر او را به غیر سنت طلاق داده است [یعنی بر اساس مذهب و فقه غیر امامیه طلاق داده است]، این مرد هم از موالیان شماسست و نمی‌پسندد که با آن زن ازدواج کند تا وقتی که از شما اجازه بگیرد و شما او را به ازدواج امر کنید. حضرت فرمود: این مسأله به فرج مربوط می‌شود و مسأله فرج مهم است، چراکه از فرج، فرزند پدید می‌آید، ما در این‌گونه امور احتیاط می‌کنیم، پس با این زن ازدواج نکنند» (۱۲). از این روایت استفاده می‌شود که در شبهات در باب فروج و نکاح و مسائل آمیزشی، احتیاط لازم است و این احتیاط، وجوب شرعی مولوی دارد، یعنی گرچه اصل اولیه در شبهات تحریمیه، اصله البرائت می‌باشد، ولی در باب فروج و مسائل آمیزشی که فرزند از آن متولد می‌شود، احتیاط واجب است.

استفاده از اسپرم‌های نامشخص و مجهول‌الهویه

اگر از بانک اسپرم جهت فرزندارشدن دیگران استفاده شود، به طوری که صاحب اسپرم معلوم نباشد و اسپرم را از بانک اسپرم به طور تصادفی تهیه نمایند، در این صورت، علاوه بر ادله حرمت سابق، در صورت اهدای اسپرم به اجنبی، محذور و مشکل جدیدی که به وجود می‌آید، اشتباه نسب خواهد بود که خود می‌تواند دلیل مستقلی برای حرمت تلقیح در این صورت شمرده شود، زیرا اگر صاحب اسپرم معلوم نباشد، اشتباه نسب در ناحیه پدر به وجود می‌آید و در نظر شارع مبیغوس است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

دسته اول: روایات باب وجوب عده بر زن، که در آن‌ها حکمت جعل وجوب عده، عدم اختلاط میاه و نسب عنوان شده است، مانند روایت «العده من الماء» (۱۲)؛ سیدجوادی عاملی صاحب «مفتاح الکرامه» در این زمینه می‌گوید: آنچه از اخبار در ابواب طلاق بائن و رجعی و باب عده به دست می‌آید، این است که علت جعل عده بر زن، اجتناب از اختلاط میاه و مجهول‌ماندن نسب اشخاص می‌باشد (۱۲).

۱- خرید و فروش اسپرم

در مواردی که در عملیات تلقیح مصنوعی نیاز به اهدای اسپرم از سوی شخص دیگری است، آیا خرید و فروش اسپرم در این صورت جایز است یا نه؟ اشکالاتی نسبت به خرید و فروش اسپرم مطرح شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- منی و اسپرم، از اعیان نجسه است و خرید و فروش اعیان نجسه باطل است، همانطور که فقها در مکاسب محرمه به آن تصریح نموده‌اند (۳۹-۳۶).

مرحوم شیخ انصاری نیز در مکاسب گفته است که اشکالی در حرمت بیع منی به خاطر نجاستش نمی‌باشد (۳۹).

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت: مجرد این که مبیع از اعیان نجسه باشد موجب بطلان بیع نمی‌شود. بنابراین نجاست به خودی خود مانع از صحت بیع نیست، بلکه صحت بیع، دائرمدار وجود منفعت محلله عقلایی است، لذا اگر مبیع، مالیت عرفیه و شرعیه داشته، و مالیت داشتن آن هم ربطی به طهارت و نجاست آن نداشته باشد، بیع آن صحیح است. شیخ انصاری نیز در مکاسب محرمه به این نتیجه رسیده است که مجرد نجاست نمی‌تواند مانع بیع باشد (۳۹).

امام خمینی (ره) در این رابطه می‌گوید: از کلمات فقها در بسیاری از موارد روشن می‌گردد که حرمت خرید و فروش اعیان نجسه، دائرمدار عدم جواز بهره‌برداری و انتفاع از آن است (۴۰). بنابراین اگر عین نجسی دارای منفعت محلله عقلایی باشد، بیع آن جایز است، همانطور که نسبت به خرید و فروش خون برای اهدا به بیماران نیازمند، فقها فتوای به جواز داده‌اند (۱۳، ۴۷-۴۱).

- در بحث اهدای اسپرم از سوی مرد بیگانه، دو مبنا در حکم تکلیفی آن وجود داشت: مبنای جواز و حرمت، لذا این اشکال باید طبق هر دو مبنا انجام شود.

بنا بر نظریه مختار که اهدای اسپرم از سوی مرد بیگانه و تلقیح با اسپرم اجنبی حرام می‌باشد، لازم به ذکر است که حتی اگر نجاست اسپرم هم مانع از صحت بیع نباشد، شرط صحت بیع، وجود منفعت محلله عقلاییه و مالیت داشتن مبیع است و در موضوع مورد بحث که حرمت تزریق اسپرم به مرد بیگانه است، دیگر منفعت عقلایی بر خرید و فروش اسپرم

مترتب نمی‌شود، چون منفعت آن برای استفاده در تلقیح مصنوعی و تزریق در رحم زن بود که این منفعت مقصوده را شارع مقدس حرام نموده است، لذا با الغای منفعت مقصوده از شیء توسط شارع، از اسپرم الغای مالیت می‌شود و در نتیجه خرید و فروش آن به خاطر عدم وجود مالیت، باطل خواهد بود.

لذا بنا بر مبنای حرمت تلقیح و اهدای اسپرم مرد بیگانه، خرید و فروش اسپرم به خاطر عدم وجود منفعت باطل است، ولی اگر قائل به دیدگاه دوم باشیم که اهدای اسپرم مرد بیگانه و تزریق آن به رحم زن جایز است، در این صورت، مبیع، منفعت محلله عقلاییه دارد که شارع مقدس هم منفعت و مالیت آن را الغا نکرده است، در نتیجه خرید و فروش اسپرم در چنین حالتی جایز می‌باشد.

در همین زمینه، سید عبدالاعلی سبزواری معتقد است که اگر منی، منفعت محلله داشته باشد بیع آن جایز است (۱۳). همچنین برخی از فقها تصریح کرده‌اند که در عصر حاضر، منفعت محلله منی و اسپرم، استفاده و به کارگیری آن برای تلقیح مصنوعی است. بنابراین خرید و فروش آن جایز است (۴۴، ۴۷)، ولی اشکال این است که خریدن اسپرم مرد بیگانه توسط چه کسی صورت می‌گیرد؟ اگر شوهر زن، اسپرم مرد بیگانه را از بانک اسپرم خریداری کند، در اینجا منفعت عقلاییه اسپرم، بچه‌دار شدن این شوهر و انتساب طفل به اوست، ولی این منفعت به او نخواهد رسید، چون همانطور که در بحث نسب خواهد آمد، طفل از ناحیه پدر، انتساب به صاحب اسپرم دارد، لذا پدر این طفل همان شخصی است که اسپرم از او خریداری می‌شود و شوهر زن، پدر طفل نخواهد شد. از این رو خریدن اسپرم، منفعت و فایده‌ای برای او ندارد، اما اگر خریدار اسپرم، زن باشد در این صورت چون طفل به او انتساب دارد یا به ملاک صاحب رحم‌بودن و یا به ملاک صاحب تخمک‌بودن، لذا منفعت فرزنددار شدن و مادر شدن برای او فرض می‌شود و در نتیجه، خریدن اسپرم جایز است (۱۸).

- اسپرم و تخمک، همانند مدفوع و بول، جزء فضولات انسانی هستند و انسان مالک فضولات بدن خویش نیست تا

طفل از اسپرم پدر به طریق تلقیح مصنوعی به وجود می‌آید - خواهد شد. پس صاحب نطفه از نظر لغوی و عرفی و شرعی، پدر است و هیچ‌گونه وضع و یا اعتبار جدیدی از شارع در این مورد وجود ندارد.

یوسف بحرانی نیز بر این نظر تأکید می‌کند: فرزند در لغت، موجودی است که از نطفه موجود دیگر متولد می‌شود و اصل هم در شرع، عدم نقل این معنا از معنای لغوی خود است (۴).

۲-۲- صورت دوم: استفاده از اسپرم شخص اجنبی:

در مواردی که تولد فرزند، حاصل از منی مرد اجنبی بوده و از اسپرم شخص اجنبی موجود در بانک اسپرم استفاده شود، آیا فرزند به مرد صاحب اسپرم که بیگانه از زن است و علقه زوجیت بین آن‌ها وجود ندارد، ملحق می‌شود یا خیر؟ این صورت از تلقیح ممکن است از لحاظ حکم تکلیفی، جایز باشد، مثل موارد اشتباه و شبهه و ممکن است حرام باشد، همانطور که در مباحث گذشته در بحث حکم تکلیفی، ادله حرمت آن بیان شد.

حال در هر دو صورت، این طفل عرفاً به مرد صاحب اسپرم ملحق می‌شود و شرعاً هم مانعی از این انتساب وجود ندارد. در صورتی که تلقیح جایز باشد، مانع شرعی منتفی است و فرزند عرفاً به صاحب اسپرم منتسب است و در صورتی که تلقیح حرام باشد، تنها مانع موجود که طبق نظر قدما موجب نفی نسب می‌شود، تحقق عنوان زنا است، ولی در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت اولاً عنوان زنا، در موارد تلقیح مصنوعی محقق نیست، چون قوام عنوان زنا به دخول و نزدیکی است و در تلقیح مصنوعی، نزدیکی و مقاربت وجود ندارد و تعدی از عنوان زنا به موارد تلقیح مصنوعی - که نزدیکی و مقاربت در آن وجود ندارد - بدون دلیل است (۲۵)؛ ثانیاً بر فرض این که در تلقیح مصنوعی، عنوان زنا محقق باشد، ولی همانطور که برخی از فقها تصریح نموده‌اند، تحقق عنوان زنا فقط موجب نفی ارث می‌شود، ولی نسب در باب زنا ثابت است و تابع همان صدق عرفی است. مرحوم خوئی می‌گوید: فرزند در لغت، همان کسی است که از نطفه شخص دیگر به وجود می‌آید و برای آن حقیقت شرعی ثابت نشده است و شارع مقدس هم در باب زنا، نسب را نفی نکرده است، بلکه فقط ارث از ولدالزنا نفی شده

بتواند آن‌ها را به دیگران بفروشد. بنابراین انسان مالک منی خود نیست، بلکه نهایتاً نسبت به آن، حق اختصاص دارد (۲۵)، در حالی که در صحت بیع، مملوکیت شرط است، همانطور که حدیث مشهور «لایبع إلا فی ملک» (۴۸) و دیگر احادیث بر آن دلالت دارند (۱۲). بنابراین در این صورت فروختن اسپرم و تخمک باطل است، چون ملکیت نسبت به آن‌ها معنا ندارد، اما چون حق اختصاصی انسان بر آن‌ها ثابت است، شخص می‌تواند در قبال رفع ید از حق اختصاصی خود، پول دریافت کند که در حقیقت به هبه معوض برمی‌گردد.

۲- انتساب به پدر در صورت استفاده از اسپرم‌های موجود در بانک اسپرم

استفاده از اسپرم‌های موجود در بانک اسپرم، سه صورت اساسی دارد که انتساب به پدر برای طفل حاصل شده از این اسپرم، باید در هر یک از این صور مشخص شود:

۱-۲- صورت اول: استفاده از اسپرم خود شخص:

اسپرم خود شخص که در بانک اسپرم ذخیره و نگهداری شده است، برای باروری همسر خود او استفاده شود، در این صورت از لحاظ انتساب به پدر در نوع کلمات فقها، ملاک انتساب به پدر، صاحب منی و اسپرم‌بودن معرفی شده است و پدر طفل عرفاً کسی است که طفل از ماء و نطفه او متولد شده است (۲۲) و در آیات متعدد قرآن هم به این نکته اشاره شده است نظیر «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا» و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را دارای خویشاوندی نسبی و دامادی قرار داد» (۱۹) و آیه شریفه «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ؛ ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم» (۱۹) و آیات دیگر (۱۹). در عرف هم، پدر را کسی می‌دانند که طفل از نطفه و اسپرم او متولد شده است. بنابراین نسب پدری، اعتباری است که از پیدایش فرزند از اسپرم و نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود و در تحقق این نسب فقط تکون و پیدایش از سلول جنسی و اسپرم اخذ شده است. انتساب از ناحیه پدر، دائرمدار فهم عرفی است و به حسب فهم عرفی، تکون از منی و اسپرم شخص در مفهوم آن اخذ شده است، ولی این که حتماً به صورت مقاربت و نزدیکی این تکون شکل گرفته باشد، در مفهوم پدر اخذ نشده است. بنابراین شامل بحث ما نیز - که

است، در نتیجه احکام نسب در باب زنا غیر از ارث مترتب خواهد شد و ولدالزنا لغۀ و شرعاً فرزند به حساب می‌آید (۴۹). بنابراین انتساب فرزند به مرد صاحب اسپرم حتی در موارد تلقیح مصنوعی حرام، ثابت است (۵۱-۵۰).

۳-۲- صورت سوم: استفاده از اسپرم مجهول‌الهویه:

اگر اسپرم به صورت تصادفی از بانک اسپرم گرفته شده و برای باروری و تولید مثل دیگران استفاده شود، در این صورت همانطور که قبلاً اشاره شد، انتساب به پدر به دلیل مجهول بودن اسپرم اخذشده منتفی است و همین مشتبه‌شدن نسب و مجهول‌الهویه‌بودن طفل متولدشده یکی از دلایل برخی از فقیهان می‌باشد که قائل به حرمت بهره‌برداری از اسپرم اجنبی شده‌اند.

نتیجه‌گیری

از پژوهش در این موضوع نتایج ذیل حاصل شده است:

- ۱- استفاده از اسپرم‌های ذخیره‌شده توسط خود شخص در بانک اسپرم برای باروری همسر او در آینده، جایز است و فی‌نفسه مانعی ندارد.
- ۲- ذخیره‌سازی اسپرم شخص، جهت باروری همسر او بعد از مردن وی جایز نمی‌باشد، زیرا با وفات شوهر، علقه زوجیت منتفی می‌شود و از طرفی، تولید نسل و فرزندارشدن، دائرمدار وجود علقه زوجیت است.
- ۳- استفاده از اسپرم مرد اجنبی که در بانک‌های اسپرم ذخیره شده است، برای باروری سایر زنان جایز نمی‌باشد.
- ۴- استفاده از اسپرم‌های مجهول، چون موجب از بین رفتن نسب و هویت طفل متولدشده می‌گردد، جایز نیست.
- ۵- خرید و فروش اسپرم‌های موجود در بانک اسپرم، صحیح نمی‌باشد و در مواقع نیاز شخص می‌توان از باب رفع ید از حق اختصاصی خود نسبت به اسپرمش، پول دریافت کند که در حقیقت، ماهیت آن به هبه معوض برمی‌گردد.
- ۶- در صورت استفاده از اسپرم‌های ذخیره‌شده در بانک اسپرم، طفل متولدشده، از لحاظ انتساب به همان شخص صاحب اسپرم عرفاً و شرعاً منتسب خواهد بود.

References

1. Fatahi Masoumi H. Articles Collection of the Third Conference on Islamic Perspectives in Medicine. Mashhad: Mashhad University of Medical Science; 2005. p.184, 187.
2. Asadi A, Bakhsh Ali Zadeh SH, Shabani M, Salehi A. The principles and practical concepts of modern theory assisted reproductive technology. Tehran: Ibn Sina; 2016. p.45, 67, 186.
3. Hakim M. Mastmask al-Eurwat al-Wuthqaa. Qom: Dar al-Tafsir; 1416. Vol.4 p.165.
4. Bahrani Y. Al-Hadaegh al-Nazera in the Ruling of Al-Etrah Taherah. Qom: Islamic Publications Office; No Date. Vol.3 p.389; Vol.23 p.312.
5. Khoi A. Alamam al-Khu'i Museum. Qom: Institute for the Restoration of the Works of Alam-al-Khu'I; 1418. Vol.8 p.331, 338.
6. Isfahani (Fazel Hindu) M. Discovery of al-Letam and al-Ebham in al-Akhakam Rules. Qom: Islamic Publications Office; 1416. Vol.2 p.219, 221; Vol.7 p.116.
7. Ayatollah Muhammad Saeed Al-Hakim Information Base, the seeking legal advices department. Available at: <http://www.alhakeem.net>.
8. Ayatollah Hashemi Shahroudi Information Base, the medical legal advice department. Available at: <http://www.hashemishahroudi.com>
9. Fazel Lankrani M. Medical and Patient Orders. Qom: Jurisprudence Center; 1428. p.63.
10. Najafi M. Javaher al-Kalam in Sharaie al-Islam. 7th ed. Beirut: Dar Ehia al-Torat; 1404. Vol.4 p.53.
11. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Beirut: Al-Tab & al-Nashr Institute; 1410. Vol.78 p.301.
12. Hurre Ameli M. Wasaelo al-Shie. Qom: Al al-Bayt Institute (AS); 1409. Vol.1 p.83; Vol.2 p.317, 532-533; Vol.17 p.9; Vol.18 p.51; Vol.20 p.258, 311, 517; Vol.21 p.83, 85, 517; Vol.22 p.175, 243, 278; Vol.28 p.176.
13. Sabzevari A. Mahzib al-Ahkam. 4th ed. Qom: Al-Menar; 1413. Vol.3 p.423; Vol.16 p.50.
14. Supreme Leader Information Database, the legal advice section. Available at: <http://www.khamenei.ir>.
15. Ayatollah Seyed Mohammad Shahroudi Information Database, legal advice section. Question.8922. Available at: <http://www.shahroudi.com>.
16. Ayatollah Mazaheri Information Database, the medical legal advice section. Available at: <http://www.almargarey.ir>.
17. Sanei Y. Medical Legal advice. Qom: Meysam Tamar; 1998. p.65.
18. Shopaai Joibari H. Statements of jurisprudence foreign lessons of artificial insemination, Mix. Qom: NO Name; 2016. Session.54-55.
19. The Holy Quran. Noor: 30; Momenoon: 5; Mearaj: 29; Baghare: 222; Baghare: 223; Forghan: 54; Ensan: 2; Tareqh: 6.
20. Tabatabaei M. Al-Mizan fi Tafsir al-Qoran. Tehran: Islamiyah Publications Office; 1397. Vol.15 p.10.
21. Tabarsi F. Majma al-Bayan. Tehran: Almaktabeh Islamiyah; No Date. Vol.7 p.241.
22. Moamen Qomi M. Sadidah Words. Qom: Islamic Publications Office; 1415. p.82, 85, 97.
23. Sadogh M. Sawab al-Amal and Eghabo al-Amal. 2nd ed. Qom: Dar al-Sharif al-Razi; 1406. p.313.
24. Borghi A. Al-Mahasan. 2nd ed. Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyyah; 1992. Vol.1 p.192.
25. Sistani M. Vasaelo al-Enajab al-Sina'a. 1st ed. Beirut: Dar al-Movarekh al-Arabi; 1428. p.56, 65, 313.
26. Khoi A. Muajem al-Rejaal al-Hadith. Qom: No Name; No Date. Vol.12 p.33.
27. Fazel Lankarani MJ. Review jurisprudence, law of artificial insemination. Qom: the religious center of the Aema Athar (AS); No Date. p.67.
28. Majlesi MT. Rouzat al-Motaqhin. 2nd ed. Qom: Koshanpour; 1406. Vol.9 p.441.
29. Hakim M. Contemporary Issues in the Jurisprudence of al-Qaza. Najaf: Dar al-Hellah; 1427. p.217.
30. Kelini M. Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah; 1407. Vol.7 p.262.
31. Emami A. Comparative Study of Cursing in Iranian and French Law. Tehran: Institute of Comparative Law; 1349. p.367.
32. Babaki M. The Alternative Uterus from the point of view of Contemporary Jurisprudence. Qom: Imam Athar Jurisprudence Center; 2013. p.85.
33. Jafari MS. Rasa'il Jurisprudence. Tehran: Keramat Publication; 1998. Vol.1 p.307.
34. Helli H. Tazkare al-Foqhah'a. Qom: Al al-Bayt; NO Date. p.597.
35. Korki A. Jamea al-maqhased. 2nd ed. Qom: Institute of Al al-Bayt; 1414. Vol.1 p.326.
36. First Martyr (Ameli) M. Ghayyato al-Morad. Qom: Islamic Publications Office; 1414. Vol.2 p.6.
37. Ardebily A. Majma al-Faeadeh and al-Burhan fi Sharhe Ershado al-azhan. Qom: Islamic Publications Office; 1403. Vol.8 p.28.

38. Feyz Kashani M. Mafatih al-Shara'i. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library; No Date. Vol.3 p.50.
39. Ansari M. Al-Makaseb book. Qom: Sheikh Ansari Congress; 1415; Vol.1 p.29, 97.
40. Khomeini R. Makaseb al-Muharrame. Qom: Asar Publications Institute; 1409. Vol.1 p.38.
41. Khoii A. Mesbah al-Feghahe. Qom: NO Name; NO Date. Vol.1 p.54.
42. Khomeini R. Tahrir al-Wasilah. 1st ed. Qom: Dar al-Elm; 1415. Vol.2 p.625.
43. Qomi T. Principles of Menhajo al-Salehin. Qom: Qalam al-Sharq; 1426.V.7 p.343.
44. Rouhani S. Menhaj al-Foghahe. 5th ed. Qom: Anwar al-Hadi; 1429. Vol.1 p.53; Vol.5 p.135.
45. Hakim S. Murshed al-Moghtareb, Tojihate Vaftawi. Najaf: Ayatollah Hakim's office; 1422. p.359.
46. Makarem Shirazi N. Bohos Faqih Häme. Qom: School of Imam Ali (AS); 1422. p.250.
47. Montazeri H. Derasat fi al-Makaseb al-Muharrama. Qom: Tafakor; 1415. Vol.1 p.292.
48. Ehsai'a A. Avali al-Layali. Qom: Dar Seyyed al-Shohada; 1405. Vol.2 p.247.
49. Khoii A. Ahkam al-Rezae fi al-Shi'a Jurisprudence. Translated by Irvani MT, Mousavi Khalkhali SMM. Beirut: Al-Menir; 1417. p.77.
50. Javaheri H. Contemporary Jurisprudence Readings on the Case of Al-Hadith medical. Beirut: Al-Ghadir; 1423.
51. Sanad al-Bahrani M. Medical Jurisprudence. 1st ed. Qom: Fadak School; 1431.